اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۱۷۶)

درمان بیماری (بخش ۲۳)

خون (۶)

بشر در حرفهای خود صادق نیست. سیگار تولید میکند و روی جعبه آن، عکس یک ریه سیاه را هم چاپ کرده است. اما در کنار آن دارد آن را در سطح وسیع تولید میکند و به یک تجارت تبدیلش کرده است. بشر صادقانه عمل نمی کند، زیرا اگر راست میگفت؛ نمی بایست در سطح وسیع تولیدش میکرد. این نوع شعارها همگی نمایشی و توخالی است، زیرا با عمل نمی خواند. میگوید مواد مخدر مضر است ولی در سطح وسیع در دراگ استور ها بدون حالت اضطرار بفروش می رساند. اینها تجاری سازیش کرده اند و اینها را به یک حرفه و شغل تبدیل کرده اند. با حربه و نیرنگ تجاری سازی و تمرکزسازی، هر آنچه مضر است را دارند گسترش و پخش میکنند.

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾
نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید (۳)

بشر حق را با باطل قاطی می کند و یک سری قواعد ضد عقل تولید میکند و بوسیله آن حق را می پوشاند.

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾
و حق را به باطل درنیامیزید و حقیقت را با آنکه خود میدانید کتمان نکنید (۴۲)

خدای رحمان دستور می فرماید که برای حل مشکلاتتان از صبر و نماز کمک بگیرید. کمک گرفتن از صبر، به آن معناست که در تمام امور دنیایی خویش، صبر را تزریق کنیم. وقتی خدا می فرماید که از صبر و نماز کمک بگیرید؛ به آن معنا نیست که هر چند مدت یکبار بگوییم ای صبر کمکم کن و یا ای نماز کمکم کن. بلکه به این معناست که صبر و نماز را در استایل زندگی خویش دخالت دهیم تا مشکلاتمان حل شود و به استایل درستی از زندگی برسیم.

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾
از شکیبایی و نماز یاری جویید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان (۴۵)

در قسمت قبلی درمان بیماری، بیان شد که فیبر و سبوس در موارد غذایی همان صبر هستند که در لایه تغذیه جسمانی به این صورت نمود پیدا میکنند. بنابراین صبر در تغذیه، یعنی فیبر و سبوس و سایر مواد مفید و ضروری را از ماده غذایی نگیریم تا غذا در بدن ما دیرتر و بطور آهسته آهسته هضم و جذب شود. این میشود فرآیند صبر در تغذیه. بنابراین،

صبر در تغذیه: مصرف مواد غذایی فیبر دار و سبوس دار، پرهیز از مصرف مواد غذایی خون مانند. مواد غذایی خون مانند، سریع الجذب، سریع الهضم، سریع الاثر هستند. اینها مخالف فرآیند صبر هستند.

صبر در درمان بیماری: مثل ایوب باید از پایه ها و توانایی های اولیه بدن خود برای درمان استفاده کنیم. مصرف بدون اضطرار داروها و قرصها و سایر مواد شیمیایی یعنی میانبر زدن و عدم بکارگیری صبر در درمان.

صبر در درس خواندن: حفظ نکردن مطالب، بلکه اصولی و پایه ای درس خواندن و یادگیری عمیق و زمانبر مطالب. یادگیری یک تخصص بهتر از حفظ مطالب بدرد نخور است. کنکور به سبک فعلی روشی غلط در درس خواندن ایجاد کرده است که باعث شده است که مدارس طبقاتی شود و قبول شدن در رشته های برتر، به اقشار خاصی از جامعه محدود شود.

صبر در شغل و پیشه: بجای ماهی، ماهی گیری و تخصص یادگرفتن؛ اگر چه زمانبر است. یک شغل و تخصص و مهارت کم درآمد بهتر است از یک شغل کاذب بی تخصص و بی مهارت پر درآمد.

صبر در ازدواج: همسر نباید براساس معیارهای غلط، انتخاب شود. بلکه استایل زندگی زوجین باید همسان باشد. عشق یک مفهوم شیطانی است که دقیقا مخالف صبر است. زیرا افراد عاشق و معشوق از همان اول، تعلق و توجه کامل همسر خویش را میخواهند که عملا امکان پذیر نیست و اگر هم کسی مدعی شود، یک دروغ بیش نیست. اساسا عشق و مفاهیم مربوطه مخالف صبر هستند. کسانی که عشق را مبنای زندگی خویش قرار میدهند، از همان اول زندگی همه چیز و همه امکانات را کامل می خواهند و این عملا یعنی عدم بکارگیری صبر و شروع یک زندگی زشت براساس دروغ و غیرقابل تحمل.

صبر در تفریحات و سرگرمی و ورزش: مصرف نکردن مکملها و پودرها در بدنسازی. بدن باید طبیعی و طی زمان شکل گیرد. زنان در ورزش پایین تنه و مردان بالاتنه بزرگ میکنند و اینها همگی بوسیله مواد خون مانند امکان پذیر است و عملا زن ومرد را در دو جبهه و جهت مخالف هم قرار میدهد. وقتی زنان و مردان در دو جهت مخالف هم رشد کنند، عملا به دشمن و ضد هم تبدیل میشوند. کسانی که بدنسازی میکنند و از پودرها و مکملها و ژلها و ... استفاده میکنند، وقتی این حرف را بشنوند، فورا در جواب میگویند که کار ما یک نوع ورزش است و بهتر از آن است که معتاد شویم! آنها ورزش کردن را بهانه میکنند. غافل از اینکه مصرف این نوع داروها و مکملها و پودرها هم نوعی اعتیاد است. ورزش بدون بکارگیری صبر یک نوع اعتیاد است و مضرات فراوان جسمی و روانی در پی دارد. بشر دارد به روشهای مختلف خودش را فریب میدهد. مفاهیم خیر با شر قاطی شده است. تحرک در ورزش قسمت خیرش است. اما مصرف مواد خون مانند قسمت شرّ آن است. به این طریق خیر و شر، حق و باطل با هم قاطی میشوند

(وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ = حق را با باطل نیامیزید = حق را با باطل قاطی نکنید = حق را با باطل نپوشانید).

و میتوان از این نوع مثالهای زیادی زد. خدای مهربان، برای زندگی آخر دوره ها و آخر الزمان، صبر را یک آیتم خیلی ضروری میداند و بدون بکارگیری آن، انسان آسیب زیادی خواهد دید و در خسران فرو میرود.

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾
سوگند به عصر [دوره زمانی] (١)

إِنَّ ٱلْإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾
که واقعا انسان دستخوش زیان است (٢)

إِلَّا الَّذِين آمَنوا وَعَمِلُوا ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾
مگر کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای نیک کرده (کردار نیک) و همدیگر را به حق سفارش (گفتار نیک) و به شکیبایی توصیه کرده اند (**گفتار صبر**) (٣)

همانطور که در قسمت قبل بیان شد، صبر به زیبایی ربط دارد. به همین خاطر کلمه زیبا (جمیل) در قرآن به صور مختلف همیشه با صبر همراه شده است (فَصَبْرٌ جَمِيلٌ).

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾
پس صبر كن صبرى نيكو (۵)

وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾
و بر آنچه مى گويند شكيبا باش و از آنان با دورى گزيدنى خوش فاصله بگير (۱۰)

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

و پيراهنش را [آغشته] به خونى دروغين آوردند [يعقوب] گفت [نه] بلكه نفس شما كارى [بد] را براى شما آراسته است اينك صبرى نيكو [براى من بهتر است] و بر آنچه توصيف مى كنيد خدا يارى ده است (۱۸)

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾

[يعقوب] گفت [چنين نيست] بلكه نفس شما امرى [نادرست] را براى شما آراسته است پس [صبر من] صبرى نيكوست اميد كه خدا همه آنان را به سوى من [باز] آورد كه او داناى حكيم است (۸۳)

پس کلمه صبر همراه جمیل (زیبایی) آمده است. این نشان میدهد تنها راه بدست آوردن زیبایی، دخالت دادن صبر در امورات تغذیه و درمان و تحصیل و شغل و ازدواج و سایر امور است. برخلاف تصور عامه مردم، زیبایی ربطی به بی خط و خال و

بی چروک بودن صورت و یا جنسیت ندارد. بلکه زیبایی یک هارمونی و نظم کلی زیبا به فرد صبور می بخشد که از دید کلی زیباست. این نوع زیبایی فقط بوسیله تزریق صبر در امورات مختلف بدست می آید. صبر در شاخه های مختلف زندگی، با همدیگر دست به دست هم داده و آدمی را زیبا میکنند. ایوب که با روش رحمانی خود را درمان کرد؛ زیبایی او چندین برابر شد، طوریکه همسر و فرزندانش که او را ترک کرده بودند، به سوی او بر گشتند.

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۴۳﴾

و [مجددا] کسانش را و نظایر آنها را همراه آنها به او بخشیدیم تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد (۴۳)

استفاده از دارو و قرصهای شیمیایی بجز در حالت اضطرار یعنی عدم بکارگیری توانایی های اولیه و پایه ای بدنی و این یعنی عدم صبر. خوردن مواد خون مانند یعنی موادی که سریع الهضم، سریع الجذب و سریع الاثر هستند؛ مخالف ماهیت صبر هستند. اینها همگی دست به دست هم داده و انسانها را زشت میکنند. مشکل در اینجا، فقط زشت شدن نیست و بلکه غیر قابل تحمل شدن است. وقتی از زشتی صحبت می کنیم، قسمت کوچکی از آن مربوط به ظاهر است و بقیه مربوط به رفتار و کردار است. زشتیی که بوسیله عدم صبر بدست آید، ضررش به دیگران هم خواهد رسید و

جامعه ای غیر قابل تحمل بدست خواهد آمد. در این جامعه ازدواج و سایر امور نیک به بن بست خواهند رسید.

گاهی مردم پیش خود فکر میکنند که مشکلات اقتصادی عامل اصلی عدم ازدواج جوانان است. اگر چه این عامل بسیار مهمی است ولی این قضاوت آنان به این علت است که آنان هنوز ماهیت رفتار و کردار و جسم آدمی را نمی شناسند و در آن دقت نمی کنند. چون حتی اگر زن و مرد هیچ مشکل مالی هم نداشته باشند و زیر یک سقف بروند؛ رفتارهای زشت و زننده ای که به علت عدم صبر در امورات مختلف، از خود نشان میدهند، باعث میشود که از همدیگر زده شوند و مودت و رحمت بینشان نماند. در این حالت ازدواج به طلاق و یا طلاق عاطفی منجر خواهد شد. در این مورد مثالهای زیادی را در جامعه میتوان مشاهده کرد. کسانی که مشکل مادی چندانی ندارند ولی نمی توانند با هم باشند. زیرا صبر را در امورات زندگی خویش حذف کرده و به حالت زشتی از زندگی رسیده اند و برای هم قابل تحمل نیستند.

خدای رحمان می فرمایند:

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

این دو جلمه از قرآن بسیار پرمعنی است. خدا نه تنها صابران را دوست دارد، بلکه با آنهاست. این ثابت میکند که فقط در یک حالت می توان در نظام رحمانی ماند و آن هم رعایت صبر در ابعاد مختلف است. در غیر آن صورت از ریل نظام رحمانی بیرون می روید و از آن پرت خواهید شد و به یک نظام مصنوعی و پر از ایراد سپرده خواهید شد.

نادیده گرفتن واقعیتها در جهان و پوشاندن حقایق، ناشی از عدم صبر است. خدای متعال می فرماید که فتنه مضرتر از قتل است. دلیل آن جالب است که در آیه بیان شده است. دلیل آن دورشدن از استایل زندگی رحمانی است. استایل زندگی همان دین است.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۱۷﴾

از تو در باره ماهی که کارزار در آن حرام است می پرسند بگو کارزار در آن گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و باز داشتن از مسجدالحرام [=حج] و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناهی] بزرگتر و فتنه [=شرك] از کشتار بزرگتر است و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می شود و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (۲۱۷)

در آیه می فرماید که وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ **فتنه بزرگتر از قتل است، زیرا آنها میخواهند که شما را از دینتان (روش زندگی رحمانی) پشیمان کنند. یعنی کسی که از روش و استایل زندگی رحمانی دور شود، روش زندگی او از کشته شدن بدتر است. دور شدن از استایل زندگی رحمانی (که همان دین است) یک مرگ تدریجی است. مرگ تدریجی خیلی بدتر و دردناک تر از مرگ ناگهانی است. با مرگ ناگهانی آدمی به یکباره جان میدهد و نجات می یابد. اما مرگ تدریجی، زجر کش شدن است.**

خدای حکیم در قرآن از پندار نیک زیاد صحبت می فرماید. قرآن پندار نیک را ایمان می نامد. مومنین کسانی هستند که دارای پندار نیک هستند. کلمه ایمان در عربی از ریشه امن است و به معنای امنیت هم هست. کسی مومن است که خود را زیر چتر روشهای رحمانی قرار دهد. مومن به روشهای درمانی خدا ایمان دارد و نسبت به آن پندارش نیک است و شک نمی کند. برای افتادن در چرخه نیک (پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر) باید به روشهای رحمانی اعتماد و توکل کنید و آن را اجرا کنید. بیشتر مردم با کوچکترین سرماخوردگی، فورا به مراکز درمانی مراجعه میکنند و کلی قرص و دارو مصرف میکنند و این نشان از عدم اعتماد و توکل آنان به نظام رحمانی است. برای افتادن در چرخه نیک، باید به حرف خدا اعتماد کرد و به روشهای رحمانی توکل کرد و نباید ترسید.

چرخه نیک: پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر

زشتی و زیبایی آدمیان، در کلیت ربطی به قیافه ندارد. بلکه مربوط به چرخه نیک است. داستانی در این مورد هست که میگوید روزی نقاشی ماهر تصمیم گرفت دو تابلو بکشد: یکی از بهترین انسان و دیگری از بدترین انسان. برای نقاشی اول، به دنبال چهره‌ای معصوم و پاک گشت. در کوچه‌ای جوانی فقیری را دید با چهره‌ای آرام، نگاه بی‌گناه و لبخندی ساده. از او خواست مدل نقاشی‌اش شود. جوان پذیرفت. نقاش، تصویری از بهترین انسان را با الهام از آن جوان کشید. سال‌ها گذشت و نقاش خواست تابلوی دوم را بکشد: چهره بدترین انسان. به زندان رفت تا چهره‌ای خشن و گناه‌آلود بیابد. مردی را دید با چشمانی سرد، چهره‌ای عبوس و آثار جرم بر صورتش. از او خواست مدل شود. مرد پذیرفت. هنگام نقاشی، مرد شروع به گریه کرد. نقاش پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ مرد گفت: «من همانی هستم که سال‌ها پیش مدل نقاشی اولت بودم...»

این داستان و یا مَثَل ثابت میکند که انسانها در بهترین حالت خلق شده اند و اما شرایط و انتخابها و تصمیمهایشان در مورد تغذیه، درمان، مشی زندگی و ... است که از آنان یک فرد زیبا و یا زشت میسازد. انسان ذاتا با فطرت خداپرستی و زیبا خلق میشود، اما در ادامه روش و استایل زندگی اوست که سرنوشت او را تعیین میکند. بنابراین زندگی یک مسیر است که انسانها جهت طی آن، استایلی را بر می گزینند که همان دین است و این روش و مشی است که شخصیت و هارمونی آنها را تعیین میکند.

هارمونی طبیعت زیباست. درختان در جای خود ایستاده اند و ریشه در زمین دوانده اند. پرندگان روی درختان می نشینند و آواز سر میدهند و همه اینها بر طبق هارمونی رحمانی صورت می گیرد و به همین خاطر زیباست (تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ).

اگر هارمونی داخل بدن خود را بوسیله قرصها و ترکیبات مصنوعی دیگر به هم بریزیم، هارمونی کلی بدن ما به هم می ریزد و شروع میکند به زشت شدن.

بعضی ها میخواهند که بار خود را ببندند. این افراد میخواهند که به خدای رحمان نیاز پیدا نکنند. این یک نوع طغیان و آشوب است که همان زشتی است. زشتی یک نوع طغیان و آشوب است که به صور مختلف نمود پیدا میکند. مثلا در جسم بصورت بیماری و زشتی ظاهری و در روان به صورت آشوبها و بیماریهای روانی نمود پیدا میکند. انسان همینکه در یک چیزی روش غیررحمانی اش را پیدا کرد، طغیان میکند و از روش خدا، احساس بی نیازی میکند.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى ﴿٦﴾

حقا که انسان سرکشی می کند (۶)

أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى ﴿٧﴾

همین که خود را بی نیاز پندارد (۷)

احساس بی نیازی از خدا و روشهای خدا بزرگترین ضربه را به انسان می زند. مثلا یکی طریقه استفاده از موبایل و کامپیوتر را رعایت نمی کند و دائم از آن استفاده میکند و همیشه با گوشی ور می رود. این فرد بعد از مدتی آرتروز گردن می گیرد. حال از جای دیگری به او خبر می رسد که مشکل آرتروز با یک قرص و یا یک روش اختراعی دیگر حل خواهد شد. این فرد دیگر نیازی به تغییر استایل زندگی خود نمی بیند و همچنان در گوشی غرق میشود. این یعنی از روش رحمانی خود را بی نیاز میداند و در نتیجه علیه پروردگار خویش عصیان میکند.

این روشها افراد را زشت میکند؛ زیرا ماهیت خود این کار زشت است. وقتی در نظام رحمانی روش درمان وجود دارد، آدمی چطوری دلش میاید که به روشهای مصنوعی گرایش یابد. خون و مواد خون مانند، آدمیان را زشت میکنند. کسی که کردار نیک انجام دهد و همزمان پندارش هم نیک باشد، زندگی زیبا و پاکیزه ای خواهد داشت. این را خود خدای رحمان وعده فرموده است و وعده داده است.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾

هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند (کردار نیک) و مؤمن باشد (پندار نیک) قطعا او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد (۹۷)

زندگی زیبا که خدا وعده داده است (حَيَاةً طَيِّبَةً) بدون پندار نیک و کردار نیک امکان پذیر نیست. زیبایی و پاکی در همین راه است و لاغیر. بیشتر مردم تلاش میکنند که زیبا شوند و آرامش داشته باشند. اما این چنین هدفی در زندگی، بدون چرخه نیک امکان پذیر نیست.

عشق یک مفهوم شیطانی است. این موضوع در مقالات قبلی (۱ و ۲) به اثبات رسید. در بیشتر داستانها و افسانه های عاشقانه، ابتدا مردان عاشق زنان میشوند. اما در قرآن، هیچ مثالی از مردی که عاشق زنی شده باشد نیامده است. با آنکه داستانهای زیادی در قرآن آمده است ولی در هیچکدام، مردان هیچوقت عاشق زنان نمیشوند. اما برعکسش در قرآن یک مثال زده شده است. همسر عزیز مصر عاشق یوسف شد. یوسف این رابطه را نپذیرفت و آن را رد کرد. از مفاهیم آیات قرآنی نتیجه گرفته میشود که عشق بین زنان و مردان اصلا امکان پذیر نیست. دلیل آن هم این است که در رابطه عاشقانه، حداقل یکی از طرفین زشت است و یا با کردار و پندار زشت خود، خود را به وادی زشتی وارد کرده است. شاید کسی بپرسد که پس چرا هیچ رابطه عاشقانه ای که مرد عاشق زن شود، در قرآن نیامده است؟ دلیل و حکمت این را باید از زنان پرسید. در زمان یوسف، زنان مصر مبهوت یوسف شدند، نه به این خاطر که بخواهند با او ازدواج کنند؛ بلکه تسلیم هارمونی زیبای یوسف شدند. زیرا یوسف خیلی ساده و مبتدیانه بدون هیچگونه دستکاری در بدن خود، به هارمونی زیبایی دست یافته بود. زنان مصر به این خاطر مبهوت شدند، زیرا آنها با آن همه وقت گذاشتن در زیبا کردن خود و امکانات فراوان، از زیبایی و هارمونی طبیعی دور شده بودند و آنها

با دیدن یوسف، این را متوجه شدند و به خود آمدند و مات و مبهوت ماندند. آنها با دیدن یوسف تمام امکانات و وسایل آرایش و یدکهای خود را هیچ بحساب آوردند. بریدن دستان خود در حین دیدن هارمونی یوسف، کنایه از بریدن امکانات خود بود (دستان در قرآن به معنای امکانات است).

زیبایی در زنان فقط یک حالت و روش دارد و آن هم این است که شرم و حیا و آزرم زنان را زیبا میکند و گرنه در هیچ حالت دیگری میسر نیست و زنانی که اینها را رعایت نمی کنند، دربدر دنبال زیبا کردن خود هستند ولی قطعا بیفایده است. بنابراین خیلی راحت میتوان نتیجه گرفت که تنها راه زیبا شدن، تقوا و پرهیزگاری و رعایت محدوده های زنانه برای زنان و محدوده های مردانه برای مردان است. نمونه چنین چیزی که شاید شما هم دیده باشید. زنانی که در فضای مجازی، خود را به نمایش می گذارند و شرم و حیا را کنار گذاشته اند؛ زیبا نیستند. آنها فقط خیال میکنند که زیبا هستند. اینجور اظهار زیبایی خیالی است و چیزی جز غرور و تکبر نیست. آنها متوجه این توهم بزرگ در خود نیستند.

یکی از خصوصیات عشق این است که مفهوم صبر در آن جایی ندارد. عشق در نگاه اول، یعنی با یک نگاه ببازی. این به معنای عدم تداخل صبر در این امر است. به همین خاطر افتادن در مفاهیم عشق، آدمیان را زشت میکند. یکی از دلایل زشتی شیاطین همین مفاهیم عشق است که صبر در میان آنان جایی ندارد. اگر ما قیافه شیطان را می دیدیم، قطعا از او متنفر می شدیم. اما آزمون این دنیا طور دیگری طراحی شده است. باید بدون دیدن شیطان، حدس بزنید که او چقدر زشت است و او و روشهای او را

طرد کنید. عشق پیشنهاد شیطان بجای مودت و رحمت بود. خود شیطان زشت است، پس روشهایش هم آدمی را زشت میکند.

خدای رحمان در چرخه نیک، مهندسی معکوس تجویز کرده است. یعنی بعضی مواقع برای تعمیر و بکارگیری این چرخه نیک، از صبر شروع میکنیم.

چرخه نیک: پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر

چرخه نیک معکوس: گفتار صبر ، گفتار نیک ، کردار نیک، پندار نیک

یعنی صبر را در امور دخالت داده و این خودش گفتار نیک به دنبال دارد و در نهایت منجر به کردار نیک و پندار نیک خواهد شد. فایده این روش این است که چرخه نیکی که متوقف شده و به بن بست رسیده است را نجات میدهد. فرض کنید که شما در یک کوچه باریک و بن بست با ماشینتان گیر کرده اید. در این حالت چاره ای ندارید جز اینکه از دنده معکوس استفاده کنید و ماشین را برگردانید. صبر در مواقع بن بست مثل دنده معکوس است که چرخه نیک را از بن بست نجات میدهد و راه حلی به آن تزریق میکند. به همین خاطر خدای حکیم مهربان، فرموده است که از صبر و نماز در اموراتتان استفاده کنید تا از بن بست خارج شوید (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ**). در نظام رحمانی، نباید مشکلات و بن بستها باعث شود که چرخه نیک شما بخوابد. هر جوری هست باید از این بست، خود را خارج کنید. این یک نوع تلاش و**

کوشش و جهاد در راه خداست. برادران یوسف میخواستند که خیلی زود نور چشمی پدرشان شوند؛ آنها از آنجا که صبر نداشتند، به روش غلط پناه بردند و فکر میکردند یوسف مانع این کار است و به همین خاطر یوسف را حذف کردند. آنها به روش غلط خویش واقف بودند و به همین خاطر گفتند که فقط همین یکبار کارمان راه بیفتد، بعد از آن صبر بکار می گیریم. اما نه تنها مشکلشان حل نشد بلکه تا آخر گرفتار شدند.

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾

[یکی گفت] یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید تا توجه پدرتان معطوف شما گردد و پس از او مردمی شایسته باشید (۹)

کسانی که در بن بستها نا امید میشوند؛ به آن علت است که در امورات خود صبر بکار نمی گیرند.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾

بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است (۵۳)

وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ﴿٥٤﴾

و پیش از آنکه شما را عذاب در رسد و دیگر یاری نشوید به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید (۵۴)

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۵۵﴾

و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی زنید شما را عذاب دررسد نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید (۵۵)

خدا روشها و رحمتهایی در این جهان برای ما پهن کرده است که باید از آن استفاده کنیم و بوسیله روشهای رحمانی بن بستها و شکستهای خود را حل کنیم. در صورت عدم حل مشکلات و بن بستها با روش رحمانی؛ روشهای شیطانی ظهور میکنند و بکارگیری روشهای شیطانی نوعی شکست است. حضور شیطان در این حالات اتفاق می افتد. وقتی راه حلها و روشهای خدای رحمان را برای تغذیه و درمان و ... رجکت کنید، روشهای شیطان خودنمایی میکند. دیگر شیطان مثل سابق بطور جسمانی حضور پیدا نمی کند و بلکه روشها و فلسفه هایش آماده است و در صورت عدم بکارگیری روشهای خدای رحمان، روشهایش ظهور میکند و در کمین است.

وقتی خدا می فرماید که حرام است بر شما؛ یعنی این روش راهگشا نیست و به بن بست می رسید. اما وقتی می فرماید حلال است بر شما؛ یعنی این روش راهگشاست. وقتی می فرماید خون حرام است، یعنی روشهای مربوط به خون، خونریزی، خون ماندی، خون آشامی و ... کارگشا نیست و شما را وارد یک سیکل و چرخه غلط میکند.

در آخر الزمان، طریقه فریب شیطان با منطق و احساسات غلط همراه میشود. وقتی منطق و احساسات غلط باشند، روشهای شیطان ظهور پیدا میکنند. در اینجا میتوان مفاهیمی همچون آزادی و عدل را هم بازتعریف کرد.

آزادی : رها شدن از دست روشهای حرام و ممنوع. آزادی واقعی زمانی رخ میدهد که از دست نیازهای ممنوع، حرام، اضافی رها شوید.

عدل: بکارگیری روشهای رحمانی و حلال که در آن صورت عدالت به معنای واقعی اجرا میشود. عدالت در دادگاه ها و بیمارستانها نیست؛ بلکه در دل استایل و مشی زندگی است.

تمام اخلاقهای رذیله از نبود صبر بوجود میاید. عصبانیت، پرخوری، بزرگ گوئی، ادعاهای بزرگ، تکبر، خودنمایی. وقتی صبر نباشد، خودبخود روشها و استایل شیطان ظاهر میشود. دیگر مثل زمانهای قدیم منتظر شیطان نباشید تا بر شما ظاهر شود و وسوسه کند و یا حرف بزند. بلکه شیطان روشش را عوض کرده است و بطور غیر مستقیم کار میکند. حالات خاص روانی که شیطان برای افراد ظاهر میشود، یک حالت خیلی استثناء و نادر است و مد نظر این مقاله نیست.

زمان قدیم، برای مستعمره کردن یک کشور، باید به او حمله میشد و خاکش را اشغال میکردند. اما حالا نیازی به اشغال فیزیکی نیست، بلکه با روشهای نرم میتوان کل ایدئولوژی آن کشور را تغییر داد و با خود همراه کرد.

اکنون مردم به روشهای رحمانی اعتقادی ندارند و به اسم رفاه و آرامش و پیشرفت؛ روشهای رحمانی در درمان و تغذیه و ازدواج را کنار گذاشته اند و در نتیجه به روشهایی روی آورده اند که خودشان آن را تراپی می نامند. تراپی نوعی مُسَکن و تخلیه روانی است. روشهای درمانگری شیطان کلا به سه گروه تقسیم میشود:

۱- کفر = پوشاندن = مُسکن

۲- خمر = بی خیال شدن = پاک کردن صورت مساله= بی خردی

۳- میسر = قمار = ریسک غیر عاقلانه = هیجان ناوقت و غیرعاقلانه

روشهای تراپی که در اینترنت خیلی تکرار میشود، بر یکی از سه اصل فوق مبتنی است. اینها روشهای کلی درمانگری شیطان است. وقتی از نظام رحمانی و روشهای او استفاده نکنید، در آغوش اینها خواهید افتاد. این روشها در نهایت به کینه و دشمنی و اختلاف منتهی خواهد شد. اینها نوعی کفر است و باید راه خود را از همان اول جدا کنید و گرنه در دامن آن خواهید افتاد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای رحمتگر مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ بگو ای کافران (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ آنچه می پرستید نمی پرستم (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ و آنچه می پرستم شما نمی پرستید (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ و نه آنچه پرستیدید من می پرستم (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۵﴾ و نه آنچه می پرستم شما می پرستید (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿۶﴾ دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)

راز زشتی انسانها در زیاده خوری است. زیاده خوری به چند گروه تقسیم میشود:

۱- **هر چه ببینید، آرزو کنید**
۲- **هر چه آوردند، زیاده بخورید**
۳- **هر چیزی را دیدن**
۴- **هر چیزی را شنیدن**

و زیاده روی در تمام چیزهای دیگر

نسل جدید نمیتوانند جذب همدیگر شوند برای ازدواج. آنها ممکن است برای امور دیگر جذب همدیگر شوند ولی برای ازدواج نمی توانند جذب هم شوند. به همین خاطر روشهای دیگری مثل ازدواج صورتی و سفید و ساعتی و ... بوجود آورده اند. که البته اینها ازدواج نیستند. وقتی عقلا و اندیشمندان یک جامعه مشکلات ازدواج کنونی اعم از مهریه و جهیزیه و شرط و شروطهای الکی را از بین نبرند و حلش نکنند؛ جوانان منتظر آنان نمی مانند و رو به روشهای غلط ازدواج می آورند. امر به معروف و نهی از منکر به معنای دستور دادن به دیگران نیست و بلکه به معنای برداشتن موانع و روشهای غلط در امورات به بن بست رسیده است.